

نقض تمامیت ارضی ایران پس از مشروطه و تحلیل کنش‌های مقاومت‌آمیز علیه آن

سمیه سادات شفیعی*

سیده فاطمه سهیلی**

چکیده

این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی موارد نقض تمامیت ارضی ایران در دوره زمانی ۱۳۲۴-۱۳۲۹ هـ.ق/۱۹۰۶-۱۹۱۲ م. چگونگی، ابعاد و زمینه‌های آن، کنش‌های مقاومت‌آمیز مردمی علیه نقض تمامیت ارضی را بر اساس آرای نظری مطرح در علوم اجتماعی مورد مطالعه قرار داده و ویژگی‌های آن را بر شمرد.

بر این اساس مقاله حاضر بعنوان پژوهشی نظری تحلیل، واقعیت‌های تاریخی معتبر را با ارجاع به یافته‌های احصاء‌شده سنت مطالعات علوم اجتماعی مقاومت مورد تحلیل قرار داده است. نتیجه آن که تمامیت ارضی ایران در دوره زمانی مذکور توسط دولت‌های روسیه، بریتانیا و عثمانی بطور کوتاه و میان‌مدت مورد نقض قرار گرفته و کنش‌های مقاومت‌آمیز مردمی را به دنبال داشته است. کنشگران با درک تهدید امنیت ملی و وجود حس تحقیر اجتماعی در برابر قوای متجاوز، نقض تمامیت ارضی را به مثابه نوعی اعمال قدرت دانسته و در شرایط فقدان نیروی دفاعی قوی، مجلس باثبات، ضعف سازوکارهای حکومتی و نابسامانی‌های سیاسی اقتصادی، کنش‌های خود را در قالب تحریم کالاهای کشورهای متجاوز، ترک جشن نوروز، تشکیل اجتماعات اعتراضی، تدوین و ارسال اعتراض‌نامه و ابراز همدردی با ساکنان مناطق مورد تهاجم در تضاد با وضع موجود به منصفه ظهور رساندند. استفاده از اشکال روزمره مقاومت، بروز خلاقیت و نیز کنش‌گری در زمان مقتضی از دیگر ویژگی‌های این کنش‌های مقاومت‌آمیز است.

کلیدواژه‌ها: نقض تمامیت ارضی، قدرت، مقاومت، زندگی روزمره، قوای روسیه، انگلیس و عثمانی، مشروطه.

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)

ss.shafiei@gmail.com

** دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی yas.soheily@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۸

۱. مقدمه

ورود نیروهای خارجی در حریم زمینی، هوایی و دریایی کشور بدون مجوزهای قانونی حضور و استقرار آنان، در مقاطع زمانی متفاوت و در دوره‌های کوتاه و میان‌مدت، دلالت بر نقض تمامیت ارضی داشته و عملاً استقلال کشور را زیرسؤال می‌برد. بسیاری از جنگ‌های نامنظم و یا تخاصم‌های طولانی ریشه در تجاوز و نقض تمامیت ارضی یک قوم، ملت و یا سرزمین دارد. از آن‌جا که نتیجه‌ی اجتناب ناپذیر و طبیعی تجاوز، دفاع و مقابله می‌باشد؛ رویارویی نیروهای داخلی و قوای مهاجم پدیده‌ای مکرر در تاریخ ملت‌های مختلف است. در اکثر موارد حضور نیروهای خارجی، انگاره هویت ملی مردمان یک سرزمین را به چالش طلبیده و برحسب توان دولت مرکزی در مدیریت امور و تجهیز و اعزام نیروهای دفاعی، واکنش آنان را به دنبال داشته است.

سرزمین ایران به علت موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، تهاجمات بسیاری را به خود دیده است. ایرانیان از دیرباز در مقابل اقوام و دولت‌های متجاوز به سرزمین خود ایستادگی نموده‌اند. از این‌رو به نوعی تاریخ ایران در کشاکش مبارزه با یورش‌های اقوام و دول گوناگون شکل گرفته است. تجاوز به قلمرو سرزمینی ایران در دوره‌ی معاصر بیش از سایر ادوار در حافظه‌ی تاریخی تأثیرگذار بوده و چه‌بسا در مقایسه با سایر دوره‌های تاریخی، به گونه‌ای مستندتر، ثبت و ضبط شده است. از سوی دیگر تحولات اجتماعی-سیاسی پیرامون مشروطه که خود ملهم از طرح مفاهیم اندیشه‌ی سیاسی مدرن بود، بیش از پیش به اهمیت تأمین موضوعات و مضامینی چون وطن، ملیت، استقلال، تمامیت ارضی، تاریخ مشترک، مذهب مشترک، سرزمین مشترک، زبان مشترک و از این قبیل انجامید. افزایش آگاهی سیاسی، اجتماعی جامعه در آن دوره و تجارب تلخ شکست از قوای روسیه و پذیرش عهدنامه‌های تحمیلی و نیز منفعت‌طلبی انگلیس و روسیه در مفاد سودجویانه‌ی قراردادهای منعقدشده، تلاش برای حفظ وطن و دفاع از منافع ملی و استقلال کشور را به امری غیرقابل اجتناب بدل و حتی آن را در کنار قانون، آزادی، برابری و ... به عنوان مطالبات اصلی گروه‌های گوناگون مشروطه‌خواه مطرح ساخت.

پس از مشروطه و تشکیل مجلس اول شورای ملی، فضای اجتماعی-سیاسی به سمت و سوی متفاوتی سوق یافت. سیاست دولتمردان ایران تا پیش از جنبش مشروطه،

حفظ موازنه‌ی مثبت میان دو قدرت روسیه و انگلستان و متجاوزان خارجی استوار بود. چنان‌که ایران با پذیرش شکست در مقابل روسیه، سرزمین‌های شمالی را واگذار نمود و به جای مقاومت در مقابل زورگویی و افزون‌خواهی‌های بریتانیا، از حق حاکمیت خود بر افغانستان چشم‌پوشی کرد و حتی از اعطای کاپیتولاسیون به دول مزبور فروگذاری نکرد. تداوم این سیاست، به حذف نام ایران می‌انجامید. نهضت مشروطه با تمام کاستی‌ها و نقصان‌های خود، به مثابه ترمزی برای توقف سیاست مزبور عمل نمود. تلاش برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی پس از مشروطه با توجه به ایجاد نهادهای دموکراتیک به ویژه مجلس و اشاعه‌ی مسائل سیاسی کشور در میان توده‌های مردم، رنگ جدیدی به خود گرفت و به صورت کنش‌های آشکار و پنهان در مقابل ناقضان این حق مسلم، اعم از روسیه و انگلیس، عثمانی درآمد و اقشار گوناگون مردم چون روحانیان، بازاریان و روشنفکران در پایتخت و حتی ایالات و ولایات کشور را به واکنش واداشت.

دوره‌ی زمانی پس از مشروطه از بسیاری از جهات حائز اهمیت است. این دوره مصادف است با شکل‌گیری ساختارهای نوپای دولت مدرن در ایران که نتیجه‌ی طبیعی آن لغو شرایط نابسامان گذشته در ارتباط با دولت‌های خارجی خصوصاً دول قدرتمند همسایه است. این دولت‌ها با فرصت‌طلبی و بهره‌گیری از درگیری‌های داخلی حکومت ایران و نابسامانی امور، با تحركات نظامی در نقاط مرزی ایران، عملاً به قلمرو سرزمین ایران تجاوز کرده و در دوره‌های کوتاه و میان‌مدت، حضور نظامی قوای خود را در کشور تداوم بخشیدند. همچنین این دوره از یک‌سو با تهاجم و ورود قشون خارجی و از سوی دیگر با تشکیل نهادهای مدنی چون مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی شاهد معادلات جدید در عرصه‌ی سیاست داخلی است که به تهاجم خارجی با نگاه متفاوتی نسبت به گذشته می‌نگرد. تهییج فضای عمومی، حاصل طرح مفاهیم جدید و نیز افزایش آگاهی سیاسی-اجتماعی، جامعه را در وضعیت هوشیار قرار داده و در مجموع شرایطی را به دنبال داشته که فارغ از وضعیت انفعالی گذشته، ضرورت عاملیت و کنشگری در سطوح خرد، میانه و کلان در آن محسوس بود. بر این اساس و با توجه به ماهیت دوران مذکور، ضرورت دارد تا برحسب آرای نظری مقاومت، موضوع نقض تمامیت ارضی ایران در این مقطع زمانی طرح و بر اساس مطالعه‌ی

اجتماعی بافت و فضای حاکم، کنش‌های مقاومت‌مردمی علیه آن مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین پرسش‌های اصلی مقاله‌ی حاضر این است:

- تمامیت ارضی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹ هـ.ق/۱۹۰۶-۱۹۱۱ م. چگونه و توسط چه کشورهایی نقض شد؟

- بر اساس آرای نظری درباره‌ی مقاومت، کنش‌های مقاومت‌آمیز علیه نقض تمامیت ارضی در فاصله این سال‌ها کدامند و این کنش‌ها چه ویژگی‌هایی دارند؟

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر به بررسی نظری، تحلیلی مجموعه موارد نقض تمامیت ارضی ایران توسط نیروهای نظامی روسیه، انگلیس و عثمانی و همچنین کنش‌های مقاومت‌آمیز علیه آن در دوره ۱۳۲۴-۱۳۲۹ هـ.ق/۱۹۰۶-۱۹۱۲ م. پرداخته است. در حقیقت ضمن ارجاع به مؤلفه‌های احصاء شده مقاومت از آثار و کتب جامعه‌شناسی، با مطالعه‌ی اسنادی کتب تاریخی، نشریات، خاطرات و زندگی‌نامه‌ها، سفرنامه‌ها، اسناد و مدارک آرشیوی، کنش‌های مقاومت‌آمیز در برابر نقض تمامیت ارضی در مقطع زمانی مذکور ارائه و ویژگی‌های آن برشمرده خواهد شد.

۳. تعریف مفاهیم نظری

۳-۱. تبیین مفهوم تمامیت ارضی

تمامیت ارضی یک سرزمین، در پیوند با استقلال آن تعریف می‌شود. درحقیقت تمامیت ارضی از مؤلفه‌های استقلال ملی و ناظر به حفظ محدوده‌ی جغرافیایی قراردادی برای اداره و حاکمیت بر آن است. و بر قلمرو تعیین‌شده‌ای برای یک کشور اطلاق می‌شود که میزان شمول اقتدار و اراده‌ی آن نسبت به سایر دول قابل تفکیک باشد. تمامیت ارضی ضامن استقلال کشور، صلح و امنیت بین‌المللی است و زمینه‌ساز دفاع از حاکمیت دولت و استقلال آن می‌باشد. به‌واسطه تمامیت ارضی میزان اشاعه و اعمال اراده حکومت در ارتباط با سایر حکومت‌ها تعیین می‌گردد. «تمامیت ارضی معادل Territorial Integrity و تثبیت مرزهای جغرافیایی کشور است. به‌بیان‌دیگر

تمامیت ارضی به این معنی است که هیچ‌گاه نباید پاره‌ای از کشور از وطن جدا شود». (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۹: ۵۸۱)

تمامیت ارضی زمینه‌ساز عوامل تعیین‌بخش متفاوتی است. نخست از آن‌جا که مکانی برای استقرار جمعیت مشخص است که از طریق سکونت در داخل مرزهای یک محدوده‌ی جغرافیایی ملت شناخته می‌شوند، در شکل‌گیری و کاربرد مفهوم ملیت و هم‌بسته‌های آن تأثیر دارد. دوم آن‌که دلالت‌های مکانی آن موجب عینیت‌بخشی به مفهوم انتزاعی کشور است و در نتیجه به تعیین قلمرو در تعاملات بین‌المللی و مناسبات خارجی می‌انجامد. لذا روشن است که نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست، هویت و شکل‌گیری انگاره‌های فردی و جمعی بازی می‌کند.

نقض تمامیت ارضی که با مفاهیمی چون تهاجم، تصرف، تجاوز، اشغال، مداخله و مواردی از این دست تلازم می‌یابد، دلالت بر تسخیر غالباً عینی مناطقی از کشور داشته که بر حسب شدت و نیز تداوم حضور، به نوعی سیستم حاکمیت و استقلال ملی را از نظم خارج کرده و با وارد ساختن لطماتی به خرده‌نظام‌های اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و سیاست، کژکارکردهایی در سطوح خرد، میانی و کلان به دنبال دارد. روشن‌تر این‌که: «حفظ استقلال سیاسی یک دولت موجب می‌شود که تمامیت ارضی و وحدت ملی نیز مورد حمایت قرار گیرد. همان‌طور که استقلال سیاسی نیز مانع از آن است که در برخی موارد تهاجم به محدوده‌ی سرزمینی یک کشور صورت پذیرد. به نظر می‌رسد که نقض تمامیت ارضی به هر اقدامی اطلاق می‌شود که قصد یا نتیجه آن برهم‌زدن یکپارچگی و وحدت سرزمینی، کاهش مرزهای جغرافیایی متعارف بین‌المللی باشد و هرگونه اقدام خارجی که بدون مجوز قانونی و مشروع مرزهای یک کشور را هدف حمله مسلحانه قرار داده خواه به ورود به درون مرزها منجر شود یا خیر». (ساعد، ۱۳۸۳: ۳۴)

۲-۳. مقاومت و ابعاد آن در آراء و اندیشه‌های جامعه‌شناسی

تعاریف متعددی از مقاومت ارائه شده است. از جمله پرافیت (Profit) آن را «تلاش فعالانه برای مخالفت، جنگیدن و عدم‌پذیرش یا پذیرش رفتار متعدیانه و کنترل» می‌داند (پرافیت، ۱۹۹۶: ۲۵) تعریف کار (Carr) «اقدام علی‌رغم مخالفت» است (کار، ۱۹۹۸: ۵۳۴) و مودیگیلیانی (Modigliani) و روشات (Rochat) مقاومت را «به سادگی مخالفت» می‌دانند (مودیگیلیانی و روشات، ۱۹۹۵: ۱۱۲).

برای گریز از اغتشاشات مفهومی ضمن نگاهی به ادبیات نظری باید تعریفی از مقاومت ارائه داد که کارایی لازم را برای تحلیل‌های آتی داشته باشد. در اینجا باید گفت بررسی دلالت‌های موضوعی و ابعاد کاربردی و مؤلفه‌های مقاومت دست‌مایه پژوهش مستقل دیگری قرار گرفته و نتایج آن در قالب مقاله‌ای با عنوان سیری در رویکردهای نظری متأخر به مقاومت منتشر شده است. در فرصت پیش‌رو نتایج این پژوهش با ذکر ویژگی‌های مقاومت ارائه و در ادامه به ذکر مصادیق تاریخی آن پرداخته می‌شود. بر اساس مطالعات و بررسی آثار و آراء جامعه‌شناختی معاصر می‌توان گفت مقاومت دارای ویژگی‌های ذیل است: وقوع عینی، تضاد با وضع موجود، تلازم قدرت و مقاومت، اهمیت زمان، خلاقیت در کنش مقاومت‌آمیز.

بر این اساس مقاومت؛ اقدام به عملی به موقع و در جهت بیان مخالفت با اعمال قدرت به امید رفع، تخفیف و یا تغییر وضعیت است. با توجه به محورهای اصلی مطرح شده، ضمن توصیف بستر تاریخی مذکور، ابتدا موارد نقض تمامیت ارضی ایران در دوره زمانی مذکور و سپس کنش‌های مقاومت‌آمیز علیه آن را بررسی شده و در چارچوب نظری احصاء شده این کنش‌ها به معرفی ویژگی‌های آنان پرداخته خواهد شد.

۴. نقض تمامیت ارضی ایران پس از مشروطه

در دوره زمانی مذکور تمامیت ارضی ایران عمدتاً توسط دولت‌های روسیه، انگلیس و عثمانی نقض شد. هرچند هجوم و ورود قوای نظامی دولت‌های مذکور منحصر به این دوره‌ی زمانی نبوده و بعضاً دارای قدمت است، اما چنین به نظر می‌رسد که موارد نقض تمامیت ارضی ایران به ویژه توسط روس و انگلیس با قرارداد ۱۹۰۷م. در ارتباط بوده است.

درباره قرارداد ۱۹۰۷م. روس و انگلیس ذکر توضیحاتی لازم است. رقابت روس و انگلیس به‌طور مشخص از اوایل سده‌ی نوزدهم آغاز شد و به تدریج در قرن بعد به اوج خود رسید. این رقابت‌ها با کشمکش بر سر گرفتن امتیازهای اقتصادی و تصرفات مرزی و نفوذ هرچه بیشتر بر سیاست و حکومت ایران همراه بود.

بریتانیا در سال‌های پس از مشروطه در ایران دو تهدید را در مقابل خود حس می‌کرد. ۱. خطر روس در ایران و بالکان ۲. خطر آلمان در آسیای صغیر و خلیج فارس و اتصال راه‌آهن بغداد به داخل ایران. منافع آن‌ها به هزاردلیل حکم می‌کرد به روس‌ها

نزدیک شوند. (محمود، ۱۳۵۳: ۸/ ۱۱۰) زیرا در عرصه‌ی فرامنطقه‌ای قدرت‌گیری آلمان و بسط حوزه‌های نفوذش در عثمانی و ایران، کابوس مشترک روس و انگلیس بود. (افشاریزدی، ۱۳۵۸: ۲۸۷) افشار دلایل انعقاد معاهده ۱۹۰۷ را علاوه بر رقابت انگلیس و آلمان در شئون اقتصادی و سیاسی، تمایل انگلستان به سد کردن راه هندوستان به روی روس‌ها می‌داند. آگاهی روسیه از ناکامی‌های خود او را وادار کرد تا به اختلافات خود با انگلستان در آسیا پایان دهد.

زمانی که الکساندر سوم، امپراتور روس برای ملاقات امپراتور آلمان به برلن رفته بود، پیشنهاد اتحاد روس و انگلیس و تقسیم ایران برای نخستین‌بار در ۱۸۸۸م. توسط وزیرمختار انگلیس در تهران به امپراتور روس در برلن داده شد. وی هم در همان‌زمان موافقت خود را با انعقاد چنین قراردادی اظهار داشت. (محمود، ۱۳۵۳: ۸/ ۳۳۵) «کنوانسیون انگلیس و روس» بعدها به قرارداد ۱۹۰۷ معروف شد. (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۰۵) تمام مراحل توافق انگلیس و روس به صورت کاملاً سری و محرمانه انجام پذیرفت به طوری که حتی سفیر انگلستان در ایران گله‌مند بود از این که چرا او را در جریان دقیق قرارداد نگذاشته بودند. (مازندرانی، ۱۳۲۸: ۲۲ - ۲۱)

در این معاهده ایران به سه منطقه‌ی نفوذ تقسیم شد. منطقه شمال؛ حوزه‌ی نفوذ روس، منطقه‌ی جنوب؛ حوزه‌ی نفوذ انگلیس شناخته شد. مابین این دو حوزه در مرکز ایران به عنوان منطقه‌ی بی‌طرف و در حیطه‌ی حاکمیت دولت ایران در نظر گرفته شد. در ظاهر ماهیت قرارداد، تجاری و برای کاهش تنش‌های میان این دو کشور و عدم تداخل قدرت آنان صورت گرفته بود. چنانکه در فصل اول و دوم آنان بر عدم مداخله در منطقه‌ی تحت نفوذ یکدیگر و در فصل سوم بر توافق و مشورت با هم برای کسب امتیاز تعهد کرده بودند. (سند ۳۴۳۹۴ از آرشیو اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران) اما در واقع این قرارداد با ماهیت سیاسی و به عبارت دیگر قرارداد تقسیم ایران بود.

۴-۱. نقض تمامیت ارضی ایران توسط انگلیس

مقدمه‌ی نفوذ سیاسی و استعماری انگلیسی‌ها در ایران را باید در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۹-۹۹۶هـ.ق) و دریافت اجازه‌ی تأسیس تجارتخانه و فعالیت‌های اقتصادی آنان در ارتباط با کمپانی هندشرقی انگلیس و در رقابت شدید با هلندی‌ها دانست. ایران

به عنوان دروازه‌ی ورود به هندوستان، برای انگلیسی‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. از این رو آنان با استفاده از ضعف نفوذ نظامی و سیاسی حکام قاجار در جزایر و بنادر خلیج فارس و استقلال‌طلبی بعضی از شیوخ عرب ساکن آن نواحی، دست به اقداماتی زدند. در معاهده پاریس، انگلیس توانست حق حاکمیت ایران نسبت به افغانستان را سلب کند. سپس با اخذ امتیازات تجاری همچون امتیاز انحصار توتون و تنباکو و تأسیس تلگراف جنوب ایران، بانک شاهنشاهی، کشتیرانی در کارون، امتیاز دوروپیتر، داری و غیره موجبات سعی در اعمال نفوذ هرچه بیشتر در سیاست و اقتصاد ایران را فراهم آورد. پایگاه عمده و استراتژیک انگلیسی‌ها، جنوب ایران بود که در قرارداد ۱۹۰۷ تحکیم شد.

انگلستان در گیرودار مشکلات داخلی و خارجی ایران پس از انقلاب مشروطه، آرام و بی‌آن‌که حساسیت ملیون را موجب شود در اندیشه‌ی اقدام به اشغال بنداری از بنادر جنوب ایران بود. سر ادوارد گری (Sir Edward Grey) شخصاً معتقد بود که «گذشته از مسأله حفظ و حراست منافع انگلیس، باید بحال آماده باش بود تا هرگاه سپاهیان روسی از مرز شمالی آن کشور بگذرند، ناوگان انگلیس بلافاصله به سواحل جنوبی ایران گسیل گردیده و پرچم انگلستان را در بندر یا بنادر آن نواحی به اهتزاز درآورند» (شماره ۱۵۸، وزارت خارجه ۶ مارس ۱۹۰۷. از وزارت خارجه به دربارداری. محرمانه، معاصر، ۱۳۵۲، ۱/ ۱۸۸) نکته‌ی قابل تأمل، کاربرد لفظ «اشغال» در تأیید نقض تمامیت ارضی ایران است چنان‌که لفظ «اشغال» به تصریح در تلگراف‌ها و مراسلات رسمی بریتانیا مشاهده می‌شود. در ذیل چند نمونه از آن ارائه شده است: «به‌گمان، اشغال یکی از بنادر جنوب ایران بهترین اقدامی است که می‌توانیم بدان متوسل شویم. اگر با این نظریه موافق هستید لطفاً اطلاع دهید کدام یک از بنادر را مناسب‌تر می‌دانید؟». (تلگراف محرمانه سر ادوارد گری به مستر مارلینگ، ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸. معاصر، ۱۳۵۲، ۱/ ۶۴۳) «به عقیده اینجانب، بوشهر مناسب‌ترین بندر برای اشغال است ولی وظیفه خود می‌دانم تذکر دهم که اگر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان آن بندر را اشغال کند، این اقدام در اینجا تظاهری مستقیم به نفع جمعیت ملیون علیه شاه تلقی خواهد شد و نتیجه این کار بست‌نشینی دسته‌جمعی عده زیادی در سفارت خواهد بود». (تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری در ۲۸ ژوئن ۱۹۰۸. همان، ۱/ ۶۵۰)

پس از ورود قشون روسیه به شمال ایران در دوره فتح تهران در سال ۱۳۲۷ هـ.ق به بهانه‌ی آشفتگی‌ها و ناآرامی‌های منطقه‌ای و ضرورت حفاظت از اتباع بیگانه، انگلیس نیز یادداشتی مداخله‌جویانه خطاب به ایران ارسال نمود مبنی بر این‌که اگر تا ۳ ماه دیگر اغتشاشات موجود برطرف نشود، دولت بریتانیا جهت حفاظت از مال و جان اتباع خود مداخله کرده و اقدام به اعزام قشون نظامی به ایران خواهد نمود. در متن اولتیماتوم آمده بود که «آنچه دولت اعلیحضرت در اولین وهله در نظر دارد، این است که قوه امنیه مرکب از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر در تحت فرمان یک‌عده از صاحب‌منصبان انگلیس از قشون هند برای حفظ راه‌های شیراز، اصفهان و بوشهر و آن صفحات در محل تشکیل و تنظیم شود. (نوایی، ۲۵۳۵: ۱۸۰-۱۷۹)

نیروهای انگلیسی قبل از آن نیز در جنوب حضور داشتند، پس از یادداشت رسمی، با هدف مداخله‌ی نظامی، جهت برقراری نظم در جنوب از راه آب‌های خلیج فارس وارد و در محدوده‌ی اصفهان، شیراز، بوشهر، بندرلنگه، بندرعباس، سیستان، کرمان، چهارمحال‌بختیاری حضور یافتند. انعکاس چگونگی ورود نیروهای انگلیسی به ایران قابل است. کاربرد مفاهیمی چون اشغال، حمله و نیز تصرف در مکاتبات بجا مانده در تبیین و تشریح ماهیت نقض تمامیت ارضی ایران توسط انگلیس سودمند است. در تلگرافی که آیات‌نجف درخصوص این امر مخابره کرده‌اند آمده «... در این موقع خطرناک دشمنان دین اسلام اغتشاشات داخلی ایران را بهانه نموده، از جنوب و شمال به محو استقلال ایران و هدم مسلمانی حمله‌ور شده‌اند...» (ترکمان، ۱۳۷۰: ۱۸۲) در نامه‌ای دیگر نیز در نوشته‌ی هیئت مقدسه علمیه نجف اشرف آمده «دولت انگلیس به موجب تلگراف کمیته سعادت اعلان رسمی نموده که اگر دولت ایران تا سه‌ماه دیگر طرف بنادر فارس را تأمین ننماید، قوه نظامی انگلیس طرف جنوب را اشغال و گمرکات را تصرف خواهد نمود». (همان، ۱۹۲)

۴-۲. نقض تمامیت ارضی ایران توسط روسیه

اوج نقض تمامیت ارضی ایران توسط روسیه در زمان فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ هـ.ق) که موجب جداشدن بخش قابل ملاحظه‌ای از خاک ایران شد. پس از آن در عرصه‌ی کسب امتیازات اقتصادی و تجاری نیز روسیه در رقابت با رقیب عمده و قدرتمند خود بریتانیا، به موفقیت‌های بزرگی نایل آمد. این موفقیت‌ها تا حد زیادی نیز

معلول بی‌تدبیری هیأت حاکمه‌ی ایران بود که هم‌چنان سیاست موازنه‌ی مثبت را دنبال می‌کرد. پس از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷م. روس‌ها مترصد فرصت برای مداخله‌ی نظامی در ایران بودند. در اوایل مشروطه در قضیه بیل‌سوار^۱ تجاوزات مرزی محدودی صورت گرفته بود. به علاوه اسناد موجود در رابطه با قضیه‌ی به‌توپ بسته‌شدن مجلس توسط محمدعلی‌شاه، که توسط شخصی به نام پانوف (M.Panoff) به عنوان مخبر روزنامه معروف و آزادی‌خواه روسی به نام «ریچ» Ryeck جمع‌آوری شده (ضمیمه کتاب انقلاب مشروطیت ایران نوشته ادوارد براون) نشان‌می‌دهد کنل لیاخوف مستقیماً از روسیه دستور می‌گرفته است. اما در سال ۱۳۲۷ هـ.ق و در گیرودار فتح تهران، روسیه به بهانه‌ی درخطر بودن جان و مال اتباع بیگانه، و حفظ قونسولگری روسیه در ایران، با قوای نظامی به خاک ایران وارد شد. نیکیتین که خود یک دیپلمات روسی است و مدتی را در ایران سپری کرده است، در این‌باره از لفظ «اشغال» استفاده کرده است. (نیکیتین، ۱۳۲۹، ۳۹-۳۸).

۴-۲. نقض تمامیت ارضی ایران توسط عثمانی

نظامیان و قشون عثمانی با هدف تسخیر و اشغال سرزمین‌های ایران تمامیت ایران را مورد نقض قرار می‌دادند. اما این اقدامات غالباً تنها به قتل و غارت در سرزمین‌های مرزی و یا کوچ اجباری اتباع ایران به عثمانی منجر می‌شد. از سال ۶۹۹ هـ.ق و دعوی استقلال عثمان بن ارطغرل، بین ایران و عثمانی دائماً کشمکش‌های مرزی وجود داشت. این درگیری‌های در زمان صفویان، رنگ مذهبی به خود گرفت. به این معنی که با رسمیت یافتن مذهب تشیع توسط شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ هـ.ق، عثمانیان که ادعای وراثت خلافت عباسی را داشتند، با ادعای گسترش سرزمین‌های اسلامی و مبارزه با کافران و رافضیان به قلمرو ایران دست‌اندازی کردند.

در زمان قاجاریان سه مسأله اساسی در روابط میان عثمانی و ایران وجود داشت. ۱. مسأله‌ی علاقه ایرانیان به زیارت مشاهد متبرکه، که همواره اتباع ایرانی موردستیم زایدالوصف حاکمان عثمانی قرار می‌گرفتند. ۲. وجود عشایر در سرحدات و دورویی و نفاق و سیاست‌مآبی بعضی از حکام محلی مثل حکام بغداد و سلیمانیه و شهر زور نیز آتش نفاق و کینه را بین دو دولت دامن می‌زد. ۳. مسأله‌ی سرحدات ایران و عثمانی بود که بعد از شکست‌های پی‌درپی عثمانی در دوره‌ی نادرشاه هنوز به‌صورت روشن

در نیامده و دعاوی دو دولت درباره‌ی بعضی از سرحدات مثل ناحیه‌ی سلیمانیه حل نشده بود. اغلب اوقات برای تعیین حکام بلاد مزبور بین پاشای بغداد و مأمورین رسمی ایران در غرب، اختلاف نظر به میان می‌آمد. سیاست دربار عثمانی فرصت طلبی و دورویی در برابر ایران بود. هنگام فراغت، قوای خود را برای چپاول و غارت به مرزهای ایران می‌فرستاد و عشایر مرزی را به طغیان و شورش برمی‌انگیخت ولی در هنگام شکست و مشغولیت به جنگ با روسیه و یا با محمدعلی پاشا در جبهه‌ی شامات، با ایران از در دوستی درمی‌آمد و به وسیله‌ی عذرخواهی و اعزام سفرای فوق‌العاده، سیاستمداران بزرگوار و باگذشت و یا غفلت زده و بی‌خبر ایران را اغفال می‌کرد و در همان حال دست‌نشانندگان پاشای بغداد در کربلا و نجف در آزار و اذیت زوار ایرانی می‌کوشیدند و از هیچ‌گونه تخفیف و تحقیر و اهانت نسبت به اتباع ایرانی دریغ نداشتند. توسعه طلبی امپراتوری عثمانی و مسائل ناشی از تعصب دینی مردم ایران و عثمانی که پیوسته به وسیله‌ی روحانیون دو کشور تقویت می‌شد، علل حقیقی کشمکش‌ها و جنگ‌های ایران و عثمانی از دوره صفویه تا انقلاب مشروطیت بوده است. برای تشدید و ادامه‌ی این کشمکش‌ها و جلوگیری از اتحاد و اتفاق دو دولت مسلمان، سیاست‌های استعماری دول انگلستان و روسیه، پیوسته بهانه‌ها و وسائلی بر می‌انگیختند و تنور این معرکه را که بالمآل ضعیف و بیچارگی هر دو دولت را در برداشت، گرم نگاه می‌داشتند. (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۰۵)

عثمانیان با مشاهده‌ی مشکلات داخلی ایران پس از انقلاب مشروطه، از فرصت استفاده و نیروهای خود را به داخل مرزهای ایران و در اغلب موارد تجاوز به آذربایجان و شهرهای اورمیه و سلماس و ساوجبلاغ تا مراغه صورت می‌گرفت. ایران پس از مشروطه با ارسال سفیر و پیگیری تجاوزات عثمانی از طریق وزارت خارجه و ایجاد کمیسیون مرزی برای رسیدگی به دعاوی دو دولت سعی در رفع قانونی این معضل برآمد. این تجاوزات مرزی در این برهه هیچ‌گاه به تسخیر و یا اشغال دائمی سرزمین‌های ایران منجر نشد. حضور موقت قشون عثمانی که همراه با قتل و غارت اتباع ایرانی بود، مبین این وضعیت می‌باشد. این تجاوزات موقت نیز شدت و ضعف داشت. در ابتدای انقلاب مشروطه با قدرت بیشتری صورت گرفت اما پس از آن نیروهای عثمانی از مرزهای ایران به‌طور کامل خارج نشدند بلکه تنها از شدت آسیب‌های آنان تا حدی کاسته شد. حضور نیروهای عثمانی نیز در متون تاریخی به

کمک مفاهیمی چون تصرف و اشغال بیان و گزارش شده است. از جمله در تاریخ انحطاط مجلس از دست‌اندازی‌های عثمانی به سرحدات و ورود به خاک ایران و تصرف آن سخن آمده است. سرپرسی سایکس عبور ترک‌ها را از مرزهای ایران را دست‌اندازی تعبیر کرده و سپس از تصرف ساوجبلاغ سخن‌رانده: «ترک‌ها همیشه آماده بودند که از گرفتاری‌های ایران استفاده نمایند و از این‌رو در ماه اوت ۱۹۰۶ یک نیرویی که عده آنها به ۶۰۰۰ تنگدار تخمین زده می‌شد، با توپخانه و نیروی سوار از مرز ایران گذشته و اورمیه را تهدید نمودند. در قسمت جنوبی‌تر که فرمانفرما فرمانده کل قوا بود و برای جلوگیری از آنها نیروی کافی نداشت مهاجمین ساوجبلاغ را تصرف نمودند. بدیهی است که ترکیه می‌خواست که معابر شمال را که به داخل ایران کشیده می‌شد، در کنترل داشته باشد. چه اشغال آن معابر مزیت‌های نظامی معینی در مقابل روسیه به او می‌داد، مگر این‌که روسیه برای برقراری تعادل اقداماتی بعمل می‌آورد». (سایکس، ۱۳۸۰، ۵۸۶/۲) کسروی در صفحات مختلف از عبور عثمانی از مرز و ورود به خاک ایران و مبادرت به آشوب و غارت تعبیر و یحیی دولت‌آبادی نیز از تجاوز عثمانی به خاک ایران سخن گفته است. (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۳۲/۲)

کنش‌های مقاومت‌آمیز ایرانیان در مقابل نقض تمامیت ارضی ایران توسط دولت‌های انگلیس، روسیه و عثمانی در مقوله‌های زیر قابل بررسی است:

۵. کنش‌های مقاومت‌آمیز علیه نقض تمامیت ارضی ایران

۵-۱. تحریم کالاهای کشورهای مهاجم

با ورود نیروهای روسیه، موضوع تحریم کالاهای روسیه مطرح و از سوی علمای نجف در قالب حکم جهاد اقتصادی رسمیت یافت و در سایر شهرستان‌ها نیز توسط علمای محلی تبلیغ و وجهه همت مردم قرارگرفت. در تلگرافی که توسط آیت‌الله محمدکاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی به مجلس شورای ملی مخابره شد، اعلام‌گردید که «...عجالتاً مجاهده اقتصادی ترک امتعه روسیه بالکلیه که اولین قدم دینداری و وطن‌خواهی است بعون‌الله تعالی و حسن تأیید باید سریعاً اقدام شود...»^۲ (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۱۶، ص ۱۸، ص ۹. ۱۳ شوال ۱۳۲۸)

واکنش به این حکم در قسمت‌های مختلف کشور شدت و ضعف داشت. اما مسأله‌ی انکارناپذیر در این میان احساس مشترک تنفر از حضور روسیه در ایران بود. در ذیل دو نمونه از بازتاب این تصمیم ارائه می‌گردد.

به دنبال حکم تحریم کالاهای روسی، در مسجد گوهرشاد مشهد گردهمایی (میتینگ) با حضور جمعی از علما و تجار و کسبه برگزار می‌شود. ناطقین از تجاوزات حقوق شکنانه‌ی روس نطق‌های آتشین و بلیغ نمودند، یک نفر از طلاب محترم عمامه خود را میان بخاری انداخته و سوزانید چند نفر هم از جوانان باغیرت در همان مجلس پیراهن و کراوات را میان بخاری انداخته تبدیل به کرباس وطنی نمودند. بالاخره حرمت استعمال امتعه روس را جمیع علما در همان مجلس فتوا دادند. تمام تجار به عمال خود در روسیه تلگراف نمودند که دیگر متاع روس از جهت ایران خریداری نمایند و الان در تمام مجالس روضه‌خوانی عوض چای، قهوه شیر با عسل می‌دهند. فتوای علمای مشهد نیز چنین بود که نظر به تجاوزات دولت روس عموماً و احکام حجج اسلامیّه خصوصاً از امروز به ترک امتعه روس میان بسته و با تمام نفرت خودمان اجناس این دولت جابر را به نظر بی‌قابلیتی دیده و کلیه مال‌التجاره از قبیل قند و چایی روس و سایر اقمشه و اشیا را بر خود حرام دانسته و هرکس از ایرانیان که جنس روسی استعمال کند او را از کسوت روحانیت عاری شناخته و با او آم‌دورفت را موقوف خواهیم کرد. (همان، ش ۳۱، س ۱۸، ص ۶ و ۷. ۶ صفر ۱۳۲۸)

در استرآباد هم از روزی که دستخط مبارک آیت‌الله خراسانی را آقای حاج شیخ محمدحسین مجتهد زیارت و به جهت عموم اهالی قرائت نمودند، خوردن قند و چایی و پوشیدن امتعه خارجه را بر خود و کسان‌شان حرام ابدی فرموده و نیز در هفته دو روز با جمعی از آقایان علما در محل مخصوص که موسوم به هیئت علمیه علما می‌باشد، مجلس منعقد و درخصوص ترک امتعه خارجه و رواج منسوجات روسی مذاکره می‌فرمایند. (همان، ش ۵، س ۱۹، ص ۲. ۲۰ رجب ۱۳۲۹)

هیجان اهتمام اهالی مشهد در ترک امتعه روس به ترشیز نیز سرایت کرد؛ «عموم نفرت و انزجار قلبی خود را اظهار داشته و به ترک استعمال امتعه روس کلیه عازم شد، فعلاً مجالس روضه‌خوانی در عوض قند و چای نعم‌البدل حلیم و آب‌گوشت و قهوه و عسل قراردادند. خیلی هم مطلوب و خدایسند است. استعمال قند و شکر روس را مردم در خانه‌های خلوت هم ترک کرده و روح اسلامیت را از خود خوشنود نموده‌اند.

(همان، ش ۳۳، س ۱۸، ص ۱۲. ۲۰ صفر ۱۳۲۸) انجمن ایالتی خراسان اعلام می‌دارد که طول توقف قشون نظامی روس و تعدیات فوق‌الطاعه آن‌ها کار اهالی را به جان و کارد را به استخوان رسانیده و در ترک امتعه و تجارت با روس‌ها مصمم هستند. (سند ۲۱۴۳۱۳۰۳۰۲۳۰۰۶ از آرشیو مجلس شورای اسلامی)

حکم تحریم حتی به کرمان هم رسید. در کرمان قند و چای معمول نیست و تنها کالایی که از روس می‌آید نفت می‌باشد. و اقمشه از یزد و مشهد و تهران و بندرعباس به آن‌جا می‌آید و معلوم نیست مال کدام دولت است اما اگر اهالی در پای خرید متوجه شوند که مال روس است خریداری نمی‌نمایند. (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۳۴، س ۱۸، ص ۱۲. ۲۷ صفر ۱۳۲۸)

در واکنش به یادداشت مداخله‌جویانه دولت انگلیس که نوایی از آن با عنوان اولتیماتوم یاد کرده است، نگاه ایرانیان نسبت به دولت انگلیس و سیاست‌هایش تغییر یافت. تا پیش از آن، تنها به سیاست‌های روسیه ظنین بودند، و بریتانیا را خیرخواه خود تلقی می‌کردند. نخستین خدشه‌ای که بر این تلقی ایرانیان وارد آمد، قرارداد ۱۹۰۷م. و اولتیماتوم انگلیس بود، که بر آنان روشن ساخت که میان سیاست این دول تفاوتی نیست. روزنامه‌ی نوبهار آورده که ایرانیان، انگلیسی‌ها را در این سه ساله رولسیون خیلی دوست می‌داشتند، دلیلش هم این که در جراید ملیه ابداً اسمی از تجاوزات انگلیس برده نمی‌شد ولو این که در تمام نمایشات روس دست انگلیس درکار بوده ولی تمایل ایرانی‌ها به انگلیس این مسأله را اغماض می‌نمود و تمام سخن را روی با روسان بود. در قزوین روس‌ها یک اعلان انتشار دادند که در قونسلیخانه برای ترافع دعاوی عموم رعایا حاضریم مضمون این اعلان مردم را به هیجان آورده و در روزنامه‌ها تعقیب کردند ولی در مشهد انگلیس‌ها عین همین اعلان را نصب کردند و مردم به واسطه‌ی اطمینان که به دوستی و دوست‌رفتاری انگلیس‌ها داشتند، چنان هیجانی نکرده فقط از انجمن ایالتی توضیح خواستند و به یک‌روز اعلان برداشته شد و گفته شد که جنرال قنصل اشتباهاً این اعلان را نصب نموده و به همین مطلب مردم ساکت شدند و در جراید هم سروصدایی بلند نشد... ولی حالا چطور؟ حالا برعکس شده یعنی در هر مجلس که می‌رویم و می‌نشینیم مردم اسم روس را فراموش کرده و از این یادداشت حق‌شکنانه انگلیس دم می‌زنند... باری مقصود ما این است که دولت انگلیس تخمی که از سه چهارسال بلکه از پنجاه‌سال قبل در قلوب ایرانیان کاشته بود،

امروز ناقص درو کرد. امروز ملت ایران فهمیدند که از هیچ دولت اروپایی نمی‌توان امیدوار بود. امروز فهمیدند که دولت انگلیس همان آینه دولت روس است. امروز دانستند که دولت انگلیس ماشین حرکات روس و اکتور تیاتر شمال دولت ایران است. (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۲۷، س ۱۸، ص ۱۲ و ۱۳. ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۸) البته برخی از علمای بصیر با آگاهی از اغراض سلطه‌طلبانه انگلستان، فریب تظاهر بریتانیا به تمایل به مشروطیت و استقلال ایران را نخوردند. از جمله می‌توان به حاج‌آقا نورالله در اصفهان اشاره داشت که خطر وجود هر دو دولت روس و انگلیس را برای استقلال ایران عظیم می‌دید و بارها به اشخاصی که متمایل به سیاست یکی از این دو دولت می‌شدند، می‌تاخت. چنان‌که حتی در اوان مشروطیت که بسیاری با اقدام دولت انگلیس در پناه‌دادن مشروطه‌خواهان، بریتانیا را حامی خود پنداشتند، وی ضمن اعتراض نسبت به تحصن یک‌عده از اهالی اصفهان در قنصلخانه‌ی انگلیس و یاری‌خواستن از اجنبی در رفع مشکل، آنان را به‌طور جدی از این امر منع و نهی نمود. (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۰۰)

روزنامه‌ی حبل‌المتین بر اتحاد کامل روس و انگلیس و سیاست‌های هماهنگ آنان تأکید دارد: نه روسیان قدمی بدون مشورت انگلیس در ایران برداشته و نه انگلیسان بدون شور با روس هیچ حرکتی در ایران کرده یا خواهند کرد. مکرر جناب سرادوارد گری در بیانات خودشان در پارلمان اقرار نمودند که دخالت‌های مسلحانه روس در ایران به مشورت ایشان بوده. تلگراف اخیر هم ثابت می‌نماید که سرادوارد گری این یادداشت را به مشورت روس به دولت ایران پیشنهاد نموده و همان بهانه‌هایی را که روس برای ورود قشون خود از امنیت طرق و حفاظت مال و جان خارجه در این دو ساله نموده بود، امروز انگلیسان تجدید می‌نمایند. حال آن‌که تا امروز یکی از رعایای انگلیس به قتل نرسیده و اموال آنان به غارت نرفته و اهانتی در هیچ نقطه به مأمورین هیچ دولت در ایران نشده. (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۱۷، س ۱۸، ص ۳) سپس تنها راه چاره‌ی ایرانیان برای جلوگیری از مداخلات اجانب را بروز حسیات ملی در دو مورد عنوان می‌کند: یکی فوری دیگری تدریجی. اولی بایکات یعنی حرمت استعمال امتعه‌ی دولت متعدی و دومی ترتیب قشون و تهیه‌ی عساکر جنگی و مهیای جنگ‌شدن است. (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۲۷، س ۱۸، ص ۱۷ و ۱۸. ۷ محرم ۱۳۲۹) روزنامه‌ی ایران نو نیز بیشتر بر اعتراض عملی تأکید می‌کرد و خواهان تحریم اجناس انگلیسی شد. (روزنامه ایران‌نو، ش ۱۲. ۲ ذیقعه ۱۳۲۸)

لازم به ذکر است که شدت تحریم کالاهای انگلیس در جنوب ایران به حدی بود که اعتراض سفارت انگلیس را به وزیر امور خارجه ایران از امتناع کسبه شیراز از فروش آذوقه به سواران هندی، ترک تجارت و معامله با بریتانیا و حتی ممانعت مکاریان از حمل و تخلیه مال‌التجاره انگلیس، برانگیخت. (رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۹۳)

۵-۲. ترک جشن نوروز

عید نوروز که به‌عنوان عیدی باستانی از دیرباز مطرح بود و همواره در هر شرایطی با مرسوماتی خاص پاس داشته می‌شد، اما حضور نیروی‌های خارجی در کشور، غیرت ملی ایرانیان را برانگیخت. در شرایط مذکور و با حضور قوای روس و انگلیس در شهرها و ناتوانی از اخراج آن‌ها، ترک جشن و مراسم متداول نوروز و اعلام عزای عمومی و ملی، بر کنش مقاومت‌آمیز جمعی دلالت داشت. صرف‌نظر از اینکه ترک عید، واکنشی طبیعی در چنین موقعیتی بود، اقدامی اعتراض‌آمیز برای ابراز علنی نارضایتی جمعی نیز تلقی شد و مورد استقبال عمومی قرار گرفت. از این رو تلگرافی به مضمون ذیل در تاریخ ۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ از سوی علمای برجسته پایتخت شهرهای مختلف ارسال شد. «خدمت علمای اعلام و حجج اسلام، دامت برکاتهم! با کثرت کدورت و ملالت که در قلوب عامه ملت ایران از طول توقف قشون اجانب حاصل است، عموم طبقات از علما و تجار و طبقات اصناف، در موقع عید ملی وظایف عید را ترک، و به تمام ملل حسنه‌ی عالم این جشن ملی خود را مشهود می‌دارد. البته علمای اعلام و تجار و طبقات اصناف، با سایر طبقات در این امر مهم مساعدت خواهند فرمود». عبدالله بهبهانی، محمدبن صادق طباطبایی، صدرالعلماء، امام جمعه، شیخ عبدالحسین، محمدرضا قمی، احمد حسینی، مرتضی‌بن محمدحسن آشتیانی، حسین رضوی قمی، علی‌آقای طباطبایی، ریحان‌الله، الداعی محمدبن عبدالموسوی بهبهانی. (شریف‌کاشانی، ۱۳۶۲: ۴۷۶)

در استرآباد «شیخ حسین رئیس انجمن، در مسجد تلگراف روحانیان را خواند و سخنرانی آتشینی ایراد کرد. او دعوت کرد ارتش روسیه و روس‌ها را از ایران بیرون کنند. اعلام کرد که ایرانیان تا مرگ آماده‌اند و [از مردم] دعوت کرد جشن نوروز را لغو کرده، لباس عزا بپوشند». روحانیان و بازرگانان کرمانشاه هم به تبعیت از تهران تصمیم گرفتند نوروز را به اعتراض به وجود ارتش روسیه در قزوین، جشن نگیرند، فرماندار،

کارگزار و سایر دولتیان نیز برنامه‌های دیداری نوروزی را لغو کردند. (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸: ۷۳)

تلگرافی از رشت بدین مضمون به انجمن‌های ایالتی و ولایتی مخابره شد که: اهالی ایالت سرحدی از طول اقامت قشون دولت همسایه در داخله ایران به قسمی ملول و مکدر شده‌اند، که از لوازم عید سعید قومیت ایرانیت شش هزارساله که یک‌هزار و سیصد و بیست و هشت سال است به سمت رسمیت مذهب هم مشرف‌گشته دست‌شسته اظهار مسرت و ابتهاج و عشرت را به سوگواری مبدل کرده‌ایم و متعهدیم مادامی که این قشون در داخله مملکت ما هست به همین منوال مرتسمات قبل خودمان را به عملیات سوگواری آشکارا داریم و از شماها می‌خواهیم از این حال مشاهده فعلی را به ضمیمه حسیات قلبی به تمام دنیا از داخله و خارجه ابلاغ نمایید...» (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۴۳، ص ۱۷، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۸)

در اصفهان، سلماس، تبریز، (روزنامه مجلس، ش ۹۳، ص ۳، ۴، ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۸)، اردبیل (سند ۱/۵۵/۴/۲۱/۱۳۲۸ از آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران)، کرمان و یزد نیز تلگرافاتی با مضمون ترک جشن عید نوروز مخابره شده است (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۴۳، ص ۱۷، ۱۶ جمادی الاول ۱۳۲۸) اهالی بروجرد در کنار ترک جشن عید، ترک قند و چای و امتعه روس را نیز نمودند. (سند ۱۷/۱۷/۳۶/۱۳۲۹ از آرشیو وزارت امور خارجه ایران) در روزنامه ایران نو ضمن تبیین اهمیت استقلال وطن، از تحریم عید نوروز در شهرهای بروجرد، مراغه، شاهرود، رشت، نهاوند، اصفهان، کاشان، مشهد سخن به میان آورده است. (روزنامه ایران نو، ش ۱۶۳، ص ۱، ۳، و شماره ۱۶۵، ص ۱)

۳-۵. تشکیل اجتماعات اعتراضی

واکنش اعتراض‌آمیز مردمی به یادداشت مداخله‌جویانه انگلیس موجب تشکیل اجتماعات مردمی متفاوتی شد. علی‌رغم آن‌که جواب یادداشت دولت انگلیس قانوناً تنها برعهده مجلس و کابینه‌ی دولت بود، در تمام محافل و انجمن‌ها، مردم پیرامون آن به مذاکره و مباحثه می‌پرداختند. (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۵۶۸) یادداشت دولت انگلیس بی‌نهایت در روحیه مردم ایران و ایرانیان خارج از کشور تأثیر گذاشت و تلگرافات اعتراض‌آمیز فراوانی از هر سو به طهران جاری شد و جواب حسینقلی‌خان

نواب نیز به سفارت انگلستان تأثیر بسیار زیادی داشت. در طهران و مشهد نیز اعلامیه‌ای از طرف وطن‌پرستان پخش شد و مردم را به اجتماع در میدان توپخانه و میتینگ، ضدسیاست خشن امپراطوری انگلستان دعوت نمودند. و علما نیز در این اجتماع شرکت کرده برای مستمعین خود سخنرانی‌ها کرده از مضار سیاست خارجی در ایران سخن‌ها گفتند. (نویسی، ۲۵۳۵: ۱۸۲ و ۱۸۳) در این اجتماع از قراری نزدیک به ده- پانزده هزار نفر جمع شده بودند. (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۵۷۱) ناطقین بر تجاوزات و تعدیات دولتین گلایه نمودند و اعلام کردند که در این چهارسال ایرانیان ثابت‌کرده‌اند که در راه اهداف خود از کشته شدن هم‌ایبی ندارند. حاج‌میرزا یحیی در انتهای نطق مفصل خود اعلام می‌دارد که «ما ملت غیر از آزادی و استقلال که اول سعادت هر ملت است، هیچ مقصد نداریم تا جان در بدن داریم، راضی نمی‌شویم که به استقلال و آزادی ما ذره‌ای لطمه وارد گردد و از صمیم قلب می‌گوییم یا مرگ یا استقلال. (روزنامه مجلس، ش ۳۱، س ۴، ص ۱۷۰۲. ذی قعدة ۱۳۲۸)

در ۱۷ ماه ذی قعدة، در همدان اجتماعی فوق‌العاده، باشركت عموم مردم از علما، امرا، اعیان، اشراف، تجار، اصناف، مسیحیان و کلیمیان منعقد شد. لوایح مهیج در آن مجلس خوانده شد و اطفال و شاگردان مدارس امپریه و آلیانس با معلمین خود با بیرق‌های شیر و خورشید حاضر شده و با اظهار تنفر از اقدامات ظالمانه و استقلال‌شکنانه اجانب، به این اقدامات اعتراض کرده و در ضمن آن عموم ملت همدان از یهود و مسلمان و نصارا با هم هم‌قسم شدند که اتفاق نموده و امنیت را در کشور برقرار کنند تا اجانب نتوانند استقلال ایران را تهدید کنند. (روزنامه مجلس، ش ۳۶، س ۴، ص ۳۰۳. ذیحجه ۱۳۲۸/ روزنامه جبل‌المتین کلکته، ش ۲۹، س ۱۸، ص ۱۰. ۲۱ محرم ۱۳۲۹) در تبریز نیز در ۲۲ ماه ذی قعدة همایشی به منظور اعتراض بر اقامت قشون روس و یادداشت اخیر دولت انگلیس برگزار شد و تبریزیان اعلام نمودند که با تمام قوا حاضر به مدافعه‌ی حقوق خود هستند. (روزنامه مجلس، ش ۳۸، س ۴، ص ۹. ذی حجه ۱۳۲۸)

۵-۴. تدوین و ارسال اعتراض‌نامه

مردم شهرستان‌های مختلف کشور به تناسب میزانی که از حضور قشون بیگانه در ایران در معرض آزار و تهدید و آسیب بودند، فریاد دادخواهی خود را رسماً به

کشورهای اروپایی می‌رساندند. از سوی دیگر ایرانیان خارج از کشور نیز در این مسیر فعالیت می‌کردند. حتی علمای نجف آیت‌الله محمدکاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی، مستقیماً با امپراتور روس مکاتبه می‌کردند و در آن مکتوب با اشاره به این‌که «قشون خود را به بهانه فتح طریق ارزاق برای تبریز (در صورتی‌که قبل از آن مفتوح شده بود) و اسم حفظ قونسلات (در حالتی که کاملاً محفوظ بود) به آذربایجان و بعد از این هم به اسم حفظ تجارت (با این‌که همیشه محفوظ بوده و هست) به قزوین و نقاط مهمه دیگر سوق نموده» سپس از مداخلات استقلال‌شکنانه‌ی قشون گفته و درخواست رفع آنرا نموده‌اند. (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ش ۳۳، س ۱۸، ص ۴. ۲۰ صفر ۱۳۲۸) نامه‌هایی نیز از آیت‌الله محمدکاظم خراسانی به قنصل روس مقیم بغداد در اعتراض به حضور قشون روس در ایران وجود دارد نمونه‌ای از آن در روزنامه مجلس شماره ۱۶ سال ۴ صفحه ۳ به تاریخ ۲۹ رمضان ۱۳۲۸ منتشر شده است.

شکوائیه‌ای رسمی از سوی تبریزیان به سفارت اتریش، انگلیس، روسیه، عثمانی، آلمان، فرانسه، ایتالیا، امریکا، بلژیک، هلند و نیز به نایب‌السلطنه، مجلس شورای ملی، کابینه‌وزرا، روزنامه ایران، استقلال ایران، شرق و مجلس ارسال شده و در آن ضمن اظهار وجود امنیت کامل در تبریز و تجارت باثبات در این ناحیه، از سلوک قشون روس گلایه کرده و نمونه‌ای از این سوءسلوک را بی‌حرمتی نسبت به تقه‌الاسلام عنوان نموده و درخواست جلوگیری از تعدیات قشون روس را دارند. این نامه توسط ۶۲ نفر از اعیان تجار تبریز به نیابت از عموم تجار تبریز با اسامی‌شان به امضا رسیده است. چون پس از مدتی التیماتوم انگلیس به ایران به‌وقوع پیوست اعتراض‌نامه‌هایی علیه روس و انگلیس توأمان صورت گرفت. این اعتراض‌نامه‌ها گاه در شکل قطع‌نامه پس از تشکیل اجتماعات و گاه از سوی علما مدون و به سفارتخانه‌ها ارسال می‌شد. از جمله پروتستی از قزوین و با امضای ۴۳۶ نفر از علما، مجتهدین و طلاب و سادات و اعیان و اشراف و خوانین و تجار و اصناف بازاری ارسال شده است. (شریف‌کاشانی، ۱۳۶۲: ۵۷۵-۵۷۴)

انجمن ایالتی آذربایجان طی تلگرافی در ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۸ اتحاد و اتفاق و رفع اختلافات داخلی را در این موقعیت خطیر حیاتی دانسته و ضمن تلگرافی خطاب به عموم هم‌وطنان اعلام می‌دارد: چه بدبختی بالاتر از این خواهد بود در این موقع‌که آذربایجان با تمام قواء خود درصدد رفع بهانه است که از این فشار خلاص گردد و

خدای نخواستہ سمت جنوب وطن عزیز ما دچار فشار دیگر شود و ایران مال ایرانی است و این نام شش‌هزارساله برای ما بس فاخر هنوز راه چاره مسدود نگردیده هنوز خون ایرانی منجمد نگشته، با همان همت و رشادت که جامعه علیه خود را از قید استبداد نجات دادیم همین بلای مبرم خارجی را هم که داعی امنیت و ماحی استقلال ما است می‌توانیم از خود برانیم، آخر دواى ما اتحاد است. (اسناد ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ از آرشیو اسناد مجلس شورای ملی)^۳ علما و اعیان و تجار یزد، تلگرافی را برای سفارت‌خانه‌های روس و انگلیس ارسال و ضمن گلایه، بیان نمودند از اقدامات حادثه از دولت بهیه روس و مداخلات جدید دولت فخریه انگلیس معلوم می‌شود آن مساعدت و معاونت مقدمه (مساعدت آنان در ابتدای مشروطه) خیالات مکنونه چندین ساله خودشان بوده که به این تقریب مکنونات خاطر خودشانرا انجام دهند و الا این جزئی ناامنی که در این مملکت به واسطه پاره‌ای مغایرت‌های ایالات داخلی است، چندان اهمیت ندارد که محتاج به مداخلات خارجه گردد. ملت نجیبه ایران، حاضرند این جزئی اختلاف را به وفاق و ائتلاف مبدل داشته در حفظ مال و جان اتباع دولتین فخریمتین بذل مجاهدات نمایند، ناچاریم به حکم صاحب شریعت خودمان تا هدر آخرین قطره خون مدافعه نماییم. (سند ۱- ۲۰۷۱۹-۲۹۶ از آرشیو اسناد کتابخانه ملی ایران)

تلگراف‌ها و اعتراضاتی نظیر آنچه ذکر شد از اورمییه و اصفهان و گیلان، اردبیل نیز صورت گرفته است. در سندی که نویسنده‌ی آن مشخص نیست از وزارت خارجه درخواست شده تا تظلم ملت ایران را به گوش مجلس لاهه و دول متحابه و مجالس پارلمانی رسانده شود و اعلام نموده یادداشت دولت فخریمه‌ی انگلیس که ایران بی‌نظم است حقیقت ندارد. مثل این است که در خانه بین دو مستخدم نزاع شود و یا مختصر سرقتی رخ دهد و ناگهان دول همجوار به اسم ناامنی در کشور مداخله کنند. ایرانیان باتمام اختلاف عقیده‌ای که در میان خود دارند، عرق اسلامیت آنان هیچ‌گاه نمی‌تواند ریخته‌شدن خون هم‌جنسان خود و نقض استقلال دولت خود را تحمل کند. (سند ۸- ۲۰۷۱۹-۲۹۶ و ۲۰۷۱۹-۹ از آرشیو اسناد کتابخانه ملی ایران)

در بیان‌نامه‌ای دیگر که از طهران به وزارت خارجه و سفرای دول مقیم پایتخت ارسال شده، آمده که از آن زمان که رعایا و تبعه دولتین فخریمتین همجوارمان به هر عنوان بود سفارت، تجارت، سیاحت، طبابت، جراحی و غیرها به حکم اسلامیت و

انسانیت جز طریق پذیرایی و محافظه و ذمه‌داری سلوک نداشته هم تمام‌شان با ثروت و مکنت به محل خود برگشته، با این‌که با کمال احترام که هرگز در خانه خود نداشته‌اند، ساکن مانده‌اند حال ناامنی و خسارت تجارت‌شان را بهانه و دست‌آویز نموده‌اند که چنانچه تا فلان‌وقت دولت ایران امنیت فراهم نیاورد، مباشرت خواهد نمود، از آن‌طرف هم کسانی که اقامت دارند، خاصه قونسول‌ها، که قونسول‌خانه‌ها را مأمّن دزدان و اشرار قرارداده، منشأ تولید هزارگونه فساد و خرابی می‌شوند، چنانچه اراده و قصد این نوع دخالت‌های جایزانه را داشته باشند، تا آخرین رمق برای دفاع حاضر و مهیا هستیم. (سند ۱۳-۲۰۷۱۹-۲۹۶ از آرشیو اسناد کتابخانه ملی ایران)

۵-۵. ابراز همدردی با ساکنان مناطق مورد تهاجم

ورود و حضور قشون عثمانی در ایران واکنش‌های اعتراض‌آمیز مردم را به دنبال داشت. اعتراض به این تحركات نظامی در مطبوعات این دوره درکنار اخبار چگونگی و ابعاد آن انعکاس یافته و فضای تهییج به منظور بسیج عمومی برای حمایت از هم‌وطنان و دفاع از وطن را به دنبال داشت. انجمن تبریز در تلگرافی که به مجلس فرستاد چنین اظهار عقیده کرد: عما قریب قشون عثمانی وارد ساوجبلاغ و اورمیه خواهد گردید تریاق بعد از مرگ چه فایده دارد، در صورتی که ناموس ابناء ملت در زیر دست‌وپای اجانب بیفتد تشکیل کمیسیون دارای چه فایده خواهد بود، در هیچ جای دنیا چنین تکلیف به ملت نکرده‌اند که شمشیر نکشید، حرکت نکنید بنشینید نگاه کنید خون شما را بریزند و مال شما را صاحب شوند عرض شما را پایمال کنند که سفیر اسلامبول اقدامات کند یا مأمورین اجانب بحال شماها رقت کند. (روزنامه انجمن تبریز، ش ۱۴۱، ص ۱، ص ۳ و ۴. ۱۹ شعبان ۱۳۲۵) روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان نیز از بی‌تفاوتی شاه و دربار در قبال این ماجرا شکوه نمود. (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۴۰، ص ۱، ص ۱. ۲۷ شعبان ۱۳۲۵)

مخبر رویترا از طهران خبر می‌دهد که سردار عثمانی در مواضعی که از ایران قبضه نموده تصرفات مالکانه از قبیل اخذ گمرک و مالیات اراضی می‌نماید و کماندان عثمانی اظهار داشته که از دولت متبوعه خود هیچ‌گونه حکمی در معاودت و تخلیه ایران نیافته بلکه اطلاع یافته که عنقریب قشون تازه‌ای برای کمک او فرستاده خواهد شد. (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ش ۷، ص ۱۵، ص ۳ و ۴. ۲۳ رجب ۱۳۲۵) عثمانی اورمیه را تصرف کرده

بود اما مدعی بود که تجاوز نکرده و آن ناحیه متعلق به خودش می‌باشد. همان‌گونه که مدت‌ها قبل مدحت پاشا در بغداد اظهار کرده بود «مفاد خریطه و علائم سرحدیه این است هر جا که توپ عثمانی صدا کند آنجا حدود عثمانی است». (سند ۱۰/۵/۳۳/۱۳۲۵ از آرشیو اسناد وزارت خارجه ایران)

مردم با شنیدن اخبار تعدیات عثمانی، برای مقابله با متجاوزان اعلام آمادگی می‌کنند. کاری که از دست مردم برمی‌آمد تنها جمع کردن اعانه برای مردم اورمیه، ابراز همدردی با جنگ‌زدگان، تلاش برای بالابردن بنیه‌ی نظامی برای مقابله و اعلام نفرت از تجاوز قشون بیگانه و کشتار هم‌وطنان خود بود. تمام یهودیان و نصاری و زرتشتیان در مورد فاجعه اورمیه با مسلمانان اتفاق نظر داشتند. (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۴۱، ص ۱، ۵ شهر رمضان ۱۳۲۵) مردم اورمیه تلگراف کرده‌اند که روستاییان نصاری که در حوالی اورمیه سکونت دارند، از ترس حملات عثمانی به قونسول‌خانه‌ی روس پناهنده شده‌اند ولی هم‌وطنان غیور ما به مقتضای غیرت اسلامیت پناهندگی را در زیر بیرق خارجه ننگ خود دانسته و همگی در تلگرافخانه جمع شده‌اند. (روزنامه انجمن تبریز، ش ۱۲۴، ص ۱، ۳. ۱۶ رجب ۱۳۲۵)

در تلگرافی دیگر آمده‌است که خبر وحشت‌انگیز سرحدات اورمیه اثر مخصوصی در عروق جان‌فشانان ایل زعفرانلو برجای نهاد چنان‌که چند هزار خانوار ایل با جان و مال برای رفع این قائله و خدمت‌گذاری اعلام آمادگی کردند تا جان در بدن و رمق در تن دارند، نخواهند گذاشت یک وجب خاک پاک ایران به دست اجانب افتد به محض اشاره از طرف قرین‌الشرف حجج‌اسلامیه ترک عیال و اولاد کرده، جان خود را در راه دولت و ملت نثار می‌نمایند. گویا این جان‌نثاری را شرف دنیا و آخرت خود می‌دانند. (روزنامه مجلس، ش ۱۸۲، ص ۱، ۳. ۱۰ شعبان ۱۳۲۵) و تلگرافی از آذربایجان به مجلس آمده مبنی بر این‌که هیجانی در مردم پدید آمده و می‌خواهند به جنگ با عثمانی بروند و منتظر جواب مجلس هستند. (همان، ش ۵، ص ۲، ۱. ۸ ذی قعدة ۱۳۲۵) و مبلغ ۵۰۰ تومان برای مصارف قشونی به حضور حضرت فرمانفرما فرستاده‌اند. (روزنامه انجمن ملی مقدس اصفهان، ش ۱۷، ص ۲، ۶. ۹ ربیع الاول ۱۳۲۵) هم‌چنین تلگراف از اصفهان از سوی حاج شیخ محمدتقی و حاج شیخ نورالله به مجلس رسیده که مردم از واقعه اورمیه محزون و پنجاه هزار نفر در کوه‌صفه جمع شده و عقد اتحاد بسته‌اند که با جان و مال مساعدت کنند. (روزنامه مجلس، ش ۱۹۲، ص ۱، ۵ رمضان ۱۳۲۵)

روزنامه جبل‌المتین کلکته در شماره ۱۵ سال ۱۵ ص ۱۰ می‌نویسد: «... با دولت عثمانی حرب نمودن به قانون عقل و شرع امروزه برای ما خطا و گناه است زیرا مایه ضعف قوای اسلام می‌شود و باعث ازدیاد نفاق فی مابین مسلمین و شق عصای مسلمین. پس با دشمن کج‌اندیش که مدارا ممکن نیست چه باید کرد؟» سپس خود محاربه‌ی اقتصادی را پیشنهاد می‌کند. قطع هزینه‌های سفر به عتبات و نذورات آن و هزینه‌های طلاب. مهاجرت علما از عتبات به ایران (مشهد یا قم) که شیعیان و پیروان‌شان هم به دنبال آنان به ایران روی می‌آورند.

۶. مقاومت در برابر نقض تمامیت‌ارضی ایران پس از مشروطه و ویژگی‌های آن

مطالعات نشان می‌دهد نابسامانی امور داخلی در این دوران که تا اندازه‌ای از بی‌کفایتی دستگاه حاکم، انفعال مجلس و نیز عدم وجود قوای نظامی متمرکز قوی و زبده نشأت می‌گرفت، موجب شد تا در نهایت پاسخ شایسته‌ای به ناقضین تمامیت ارضی ایران داده نشود. اما در مقابل ملت با آگاهی از ابعاد تعدی نیروهای نظامی خارجی و حضور میان‌مدت آنان، واکنش‌های مقاومت‌آمیزی از خود بروز دادند. این کنش‌ها بیش از همه در قالب تشکیل اجتماعات اعتراضی و بیان‌رسمی نارضایتی از حضور قوای نظامی خارجی در کشور، تعلیق امور متعارف و مراسمی چون مراسم نوروز و ترک استعمال کالاها و کارهای خارجی عینیت یافت و در اسناد عمومی چون روزنامه‌ها و مکاتبات گزارش شد. بنابراین هم‌چنان که هولاندر و اینوهر (۲۰۰۴) تأکید دارند مقاومت آنان صرفاً در سطح کیفیت کنشگران یا وضعیت حضور آنان نماند، بلکه شکل کنشی فعالانه و عینی داشت.

این کنش‌ها در مخالفت با حضور نیروهای نظامی دولت‌های روسیه، انگلیس و عثمانی پدید آمد و دلالت بر احساس تهدید امنیت ملی و نیز امنیت‌گروهی و فردی و علاوه بر آن احساس تحقیر اجتماعی ایرانیان داشت. در سطحی حتی به انتقاد از عملکرد مجلس و بی‌کفایتی هیأت قانون‌گذاری انجامید و در اقدامی موجب پرسش از وزیر خارجه وقت^۴ و نیز استیضاح علاء‌السلطنه، وزیر امور خارجه شد. یادداشت دولت انگلیس مداخله‌جویی تعبیر شد و خصوصاً با توجه به شروط آن، اولتیماتوم، مفروض گرفته شد و همراه با ابراز انزجار عمومی، پاسخ قاطع وزیر امور خارجه وقت را به دنبال داشت.^۵ تشکیل اجتماعات اعتراضی، علاوه بر ایجاد آگاهی عمومی بیشتر،

به حصول اعتراض‌نامه‌هایی انجامید که در شکل بیانیه‌رسمی و قطعنامه به سفارت‌خانه‌های مقیم تهران ارسال شد و از این منظر انعکاس عمومی یافت. در خصوص تعدیات عثمانی و موضع منفعلانه علما، کنش مقاومت‌آمیز مردم در شکل ابراز همدردی با ساکنان مناطق تحت‌تصرف و جمع‌آوری پول برای آنان بروز یافت. چنان‌که ذکر شد، کالاهای روسیه و انگلیس تحریم و استعمال آن‌ها بنا به فتوای علما حرام اعلام گشت. هرچند جمع‌آوری اعانه برای ساکنان مناطق تحت‌تصرف وجه ایجابی دارد، اما باید گفت شکل غالب کنش‌های مقاومت‌آمیز علیه نقض تمامیت ارضی ایران در این دوره سلبی و در راستای ترک کنش معمول بروز یافته است.

یکی دیگر از ویژگی‌های مقاومت تلازم آن با قدرت است. فوکو معتقد است که قدرت به‌عنوان یکی از شرایط اصلی اعمال و اجرای خود نیازمند مقاومت است. «از طریق ظهور نقاط مقاومت است که قدرت در سراسر حوزه اجتماعی انتشار می‌یابد. اما البته مقاومت، قدرت را نیز مختل می‌کند. مقاومت هم یکی از عناصر عملکرد قدرت و هم یکی از عوامل بی‌نظمی دائمی آن است» (دریفوس، ۱۳۸۴: ۲۶۰).

بنابراین با انعکاس خبر ورود قوای خارجی و نیز ادامه حضور آنان، حس عمومی تعدی به وطن و نیز تهدید امنیت و استقلال ملی فراگیر بوده است. لذا تشخیص آن‌که «...عجالتاً مجاهده اقتصادی ترک امتعه روسیه بالکلیه که اولین قدم دینداری و وطن‌خواهی است بعون‌الله تعالی و حسن تأیید باید سریعاً اقدام شود...» در حقیقت نشانگر تلازم اعمال قدرت و به تبع آن مقاومت کنشگران است و از مواضعی پرده برمی‌دارد که عاملان بادرک قدرت فراگیر نیروی مهاجم، سعی در رد تابعیت و فراتر از آن برای به چالش کشیدن قدرت دارند. خطابه‌های مختلف در بیان تنفر و اشمئزاز از دولت غاصب و به منظور خیزش عمومی جهت دفاع در برابر متجاوزین در شرایط فقدان اعتبارات لازم دفاعی و نیز ضعف قوای نظامی و نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی، محل بروز و نمود تنش میان اعمال قدرت متعدیانه موجود و مقاومت مشهود و علنی است. بی‌شک اخذ گمرک و مالیات اراضی مناطق تسخیر شده در فقره تعدی عثمانی و نیز چگونگی حضور نیروهای روسیه موجب بروز مواضع قدرت شده و کنش‌های مقاومت‌آمیزی به دنبال داشته که چه‌بسا ابعاد خشونت‌بار آن در اسناد و مکتوبات ثبت نشده باشد.

از جمله سایر ویژگی‌های مقاومت، توجه به زندگی روزمره بعنوان ظرف رخدادهای کوشمکش میان قدرت و مقاومت است. «برای فهم قدرت در فعلیت آن و عملکرد روزمره‌اش باید به سطح کردارهای خرد یعنی به سطح آن تکنولوژی‌های سیاسی برویم که کردارهای ما در درون آن شکل می‌گیرد» (دریفوس، ۱۳۸۴: ۳۱۲). ترک جشن نوروز بهترین مصداق بیان مقاومت در ظرف کنش‌های روزمره است. مراسمی که یادآور ارزش‌های فرهنگی اجتماعی کهن ایران است، در هنگامه قبض و غضب وطن، عامدانه ترک می‌شود. تعطیلات رسمی که به‌طور تاریخی به شادباش و مراسم اجتماعی خاصی اختصاص داشت، عزا اعلام شده و به امور کاری جاری پرداخته می‌شود. علاوه بر آن کردارهای مقاومت‌آمیز خرد در حوزه عمومی با محوریت طرد استفاده از کالاهای خارجی شکل گرفته و با فتوای علما از سوی عموم، واجب‌الاجرا می‌شود. طرد استفاده از کالاهای خارجی از جمله قند، چای، البسه روسی از جمله مواردی است که نشان می‌دهد کنشگر ایرانی از بافت زندگی روزمره بعنوان عرصه بیان مخالفت و مقاومت سود جسته است. بنابراین مقاومت تنها به تشکیل اجتماعات اعتراضی و یا تهیه اعتراض نامه منوط نشده و فراتر از آن در قالب اشکال روزمره مداومت یافته است.

اصل مشترک دیگر در بین رویکردهای مطرح مقاومت، خلاقیت است. بوردیو استراتژیست‌ها را دور از الگوهای هنجاری عمل تحلیل می‌کند و با کاربرد تعبیری چون بداهه سرایانی استراتژیک به خلاقیتی اشاره دارد که در زمان شکل می‌گیرد (استواتر تزی؛ ۱۹۹۷). دوسرتو (۱۹۹۸) محور تحلیل خود را از مصرف بعنوان تولیدی دیگر بر خلاقیت بنا نهاده است. فیسک (۱۹۹۴) بر تولید خلاقانه معنا تاکید دارد. کلی (۲۰۰۲) در مطالعه مک‌دونالد به خوبی از مصادیق خلاقانه مقاومت سخن می‌گوید. خلاقیت در زمانی کنشگران ایرانی عصر مشروطه بطور مثال در قضیه تصرف بخش‌هایی از کشور توسط عثمانی در طرح شکل خاصی از محاربه اقتصادی مطرح می‌شود: ترک سفر به عتبات. به عبارت دیگر چاره‌اندیشی مردم در مواجهه با تعدی عثمانی از یکسو، ناکارآمدی قوای داخلی از سوی دیگر و نیز رویکرد تسامح‌آمیز علما نسبت به دولت مسلمان عثمانی، موضوع ترک سفر به عتبات و قطع عایدات سفرهای مذکور را به‌طور خلاقانه به عنوان کنش مقاومت‌آمیز در برابر اعمال قدرت آشکار و تعدی جویانه عثمانی مطرح و دنبال ساخت. ترک جشن نوروز نیز هر چند واکنش طبیعی به تجاوز به وطن بود اما با گزاره‌هایی چون لغو برنامه‌های نوروز، ترک وظایف

عید، پوشیدن لباس عزا، حمل بیرق سیاه و عدم تعطیلی داوطلبانه تحصیل و کسب و کار، دلالت بر بروز خلاقیت کنشگران در کسب مقصود خود دارد؛ که همانا بیان اعتراض و نارضایتی از حضور نیروی نظامی خارجی بود.

مولفه مشترک دیگر زمان است. کنش استراتژیک بدون درک محل تلاقی زمانی دوسویه متضاد، بی‌معنا است. کنشگران با برآورد منابع خود و طرف مقابل (واجد قدرت) در کمترین زمان ممکن به کنش استراتژیک شکل می‌دهند. تشکیل اجتماعات، ابراز خشم و بیان مساعدت و همراهی ساکنین مناطق تحت تهاجم با جان و مال و نیز در دفاع از وطن در کنار جمع‌آوری اعانه از جمله اقدامات مقاومت‌آمیز کنشگران ایرانی بود که با آگاهی از خبر حضور نیروهای نظامی خارجی و نیت آنان در ابقای مواضع تعدی جویانه بیان و بروز یافت. هم‌چنین در قضیه ترک جشن نوروز کنشگران بلافاصله بر حسب قواعد میدان و بنا به عادتواره خود در احساس تحقیر و تعدی بواسطه حضور نیروی خارجی و انفعال قوای داخلی و نیز در تبعیت از دستورات دینی، بعنوان عاملینی استراتژیک عمل کردند و بطور گسترده در شهرهای مختلف کنش‌های مقاومت‌آمیز یکپارچه‌ای را به منصفه ظهور رساندند.

۷. نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر ورود نیروهای نظامی خارجی و حضور میان مدت آنان در مناطق مختلف کشور بعنوان مواضع اعمال قدرت پنداشته و به مطالعه و بررسی کنش‌های مقاومت‌آمیز بر اساس مولفه‌های احصاشده سنت مطالعات علوم اجتماعی مقاومت پرداخت. بی‌شک تحلیل کنش‌های مقاومت در گروی درک بافت اجتماعی سیاسی این دوره است.

تشکیل نخستین مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۴هـ.ق/۱۹۰۶م. نقطه‌ی عطفی در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. پیروی این امر ایران به جرگه‌ی کشورهای مشروطه پیوست و پارلمان به عنوان رکن قانونی و قانون‌گذار، وارد معادلات قدرت در کشور شد. درست است که حتی بانیان و حامیان مشروطه در ایران به اندازه‌کافی از کارکرد آن مطلع نبودند، اما می‌توان چنین اذعان نمود که مجلس برای مردم آن زمان، به مرجعی برای محدود کردن قدرت سلطنت و حمایت از حقوق مردم در مقابل دشمنان داخلی و خارجی تبدیل شده بود. پس از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ از یکسو و از سوی دیگر

انحلال مجلس دوم، تمامیت ارضی ایران به مراتب از سوی عثمانی، روسیه تزاری و بریتانیا نقض شد. اطلاق کلماتی چون اشغال، تصرف، حمله، دست‌اندازی، تهاجم و از این قبیل از سوی ناقضین تمامیت ارضی ایران و نیز در گزارش‌های عمومی و اختصاصی ثبت شده، نشان از آن دارد که احساس عمومی واجدان و نیز تابعان قدرت حاکی از غضب است و در مجموع شبکه درهم تنیده‌ای از قدرت را به تصویر می‌کشد که صاحبان قدرت علاوه بر حضور غاصبانه می‌توانند فاقدان را به اموری علی‌رغم میلشان وادار کنند، آنان را در معرض تعدی قرار دهند و یا حتی آنان را اداره و کنترل کنند. فاصله فرهنگی و نیز شکاف منافع ناقضین تمامیت ارضی و ملت، تضاد عمده آنان را از اشکال درونی دورساخته و هرچه بیشتر در قالب امور آشکار عینیت بخشید. این خوانش از قدرت لزوماً به معنای تجربه کاربرد عریان و کاملاً یک طرفه زور و یا خشونت نیست. بلکه اساساً حضور نیروهای خارجی حتی برای مردم آزادی که در مناطق تحت تصرف زندگی نمی‌کردند نیز غیرقابل قبول و اعتراض‌آمیز تلقی شد. در این میان تعدادی از علما نقش کلیدی ایفا کردند. آنان با بصیرت و هوشیاری به درک مواضع سلطه‌طلبانه دول روسیه و انگلیس پی بردند و با صدور مواضع خود در قالب اعلامیه به کنش‌های مردم سمت‌وسو بخشیدند. هرچند که در نهایت ایرانیان مغلوب و مجلس ملی دوم با سلطه و اقتدار خارجی مضمحل شد، اما کنش‌های مقاومت‌آمیز مردمی برخلاف صورت‌های تاریخی پیشین خود که در قالب اقدامات حکومتی همچون گردآوری قشون از میان مردم و گسیل آنان برای مقابله‌ی نظامی عینیت می‌یافت، با درک مواضع قدرت در رابطه دوسویه متجاوزین / ساکنین عینیت یافت. البته ذکر نکاتی در خصوص ابعاد این کنش‌ها لازم است: اول آن‌که گاهی هرکدام از اشکال مقاومت به فراخور منابع موجود، وضعیت میدان و عادتواره کنشگران علیه تنها یکی از موارد تهاجم شکل گرفت. بطور مثال تحریم کالاها عموماً به جهت گستردگی رواج کالاهای روسیه نسبت به سایر کالاهای خارجی در هنگامه حضور نیروهای روسیه و در بیان مخالفت و اعتراض به این حضور بروز یافت. عدم مصرف چای و قند که خود نشان دهنده پیوند کنش‌های مقاومت با زندگی روزمره کنشگران است، نیز حکایت از دلالت مصرف این کالاها بر تابعیت و همراهی با دولت متجاوز داشته و از این‌رو قویاً تحریم شده است. دوم آن‌که مختصات میدان‌های اجتماعی بر قاعده قدرت و مقاومت تاثیر بسزایی داشته است. درحالی‌که در خصوص تهاجم انگلیس و به خصوص روسیه،

علما موضع دفاعی برجسته‌ای از خود نشان دادند، در مقوله تعدی عثمانی به جهت مسلمان بودن عثمانی‌ها، مخاصمه دو دولت مسلمان پسندیده نبود و عملاً تا اندازه زیادی مسکوت ماند.

در این راستا باید به نقش نهادهای مدرنی چون مجلس و مطبوعات بعنوان تجلی اراده مشروطه‌خواهان نیز اشاره داشت. انفعال و مسامحه مجلس در موارد مواجهه با نقض تمامیت ارضی ایران در این دوره، خصوصاً در قضیه تعدیات عثمانی از گزارش مواقع جلسات به خوبی نمایان است. در مقابل اما مطبوعات با انعکاس اخبار حضور نظامی قوای روسیه، انگلیس و عثمانی، علاوه بر آگاهی‌بخشی، به تهییج عمومی دامن زدند و با فراخوان‌های عمومی به ساماندهی هرچه بیشتر و فراگیرتر اجتماعات اعتراضی و نیز جریان تدوین و ارسال اعتراض‌نامه‌ها جهت و مشروعیت فزاینده‌ای بخشیدند.

به نظر می‌رسد تجاوز روسیه نسبت به سایر موارد نقض تمامیت ارضی ایران، منجر به شکل‌گیری کنش‌های مقاومت‌آمیز گسترده‌تر و بیشتری در کشور شد. در مقایسه، حضور نیروهای انگلیس که در ظاهر به بهانه حمایت از امور جاری تجاری و شبکه‌های مستقر بازرگانی انگلیس در ایران بود و نیز تعدیات عثمانی به جهت اولویت حفظ وحدت مسلمین در مقایسه با حضور قوای نظامی روسیه حساسیت‌های کمتری به دنبال داشت. هرچند باید گفت به احتمال زیاد حسن‌ظن ایرانیان به رویه دولت انگلیس از یک سو و میزان اعمال قدرت و حرکت‌های خشونت‌بار متجاوزین نقش مهمی در کمیت و کیفیت بروز مقاومت بازی کرده است. اما در مجموع تحلیل کنش‌های مقاومت‌آمیز مردمی در دوره زمانی ۱۳۲۹-۱۳۲۴ گویای انتخاب اشکال روزمره مقاومت بعنوان راه مانا و پویا جهت بروز و بیان مخالفت و اعتراض بوده است. باید دانست در شرایط فقدان نیروی دفاعی قوی و نیز مجلس و سیستم حکومتی باثبات و پایدار و در نتیجه احساس عدم امنیت روانی و نیز فیزیکی تنها راه موجود، مقاومت در اشکال کم‌هزینه است.

توصیه و سفارش حجج اسلام در چگونگی تعامل با متجاوزین^۷، پرده از زوایای تاریک ضعف بنیه قوای داخلی و شرایط عمومی فرودستی جامعه ایران در برابر ناقضین تمامیت ارضی برمی‌دارد. بنابراین کنشگران در شرایط دشوار اقتصادی، ضعف

تشکیلات سازمانی و نیز فقدان سازوکارهای دفاعی هماهنگ با تجاوز، در بزنگاه‌های اعمال قدرت متعدیان، از دسترس‌ترین فرصت‌ها یعنی بستر زندگی روزمره بهره‌گرفتند.

پی‌نوشت

۱. پیله‌سوار منطقه‌ای در شمال اردبیل است. در فروردین ۱۳۲۶ یک کاپیتان روس به دنبال اسبش بی‌آن‌که به گمرک ایران اطلاع دهد، با شش سوار روس از مرز گذشته تا نیم میل در خاک ایران پیش آمد. دو کس از ایل قوجه بیگلو در آن نزدیکی اسب می‌چرانیدند، را با گلوله زده از پا درآورد. یک دسته از قوجه‌بیگلو به خون‌خواهی کسان خود شتافتند، دو گلاسیف با دو تن روس کشته شدند. یک سالدات زخم‌دار خود را به پاسگاه روس رسانیده از چگونگی آگاهی داد. پاسداران روس در زمان به پیله‌سوار تاخته دست به کشتار گشادند. ۳۷ تن را بیگناه کشته و گمرک‌خانه را با ۱۳۵ خانه نفت ریخته آتش زدند و سراسر دیه را تاراج کردند. چهار روز پس از آن بار دیگر به خاک ایران تاخته در دیه «زرگر» ۱۷ تن را کشته و ۲۷۰ خانه را آتش زده سراسر دیه را تاراج کردند. سپس از آن‌جا به «شیرین‌سو» که گذرگاه شاهسونان است رفته ۲۰ تن را هم در آن‌جا کشتند. سه روز دیگر باز به «جواد کندی» ریخته پس از تاراج و کشتار ۷۵ خانه را آتش زدند. (کسروی، ۱۳۸۳: ۵۵۱-۵۵۲)

۲. این دو عالم هوشیار با تعیبه جملات و شعائر مقدس شیعه در متن اعلامیه خود به سال ۱۳۲۹، هشدار سیاسی خود را این‌گونه مطرح می‌کنند که "تجارت با روسیه مقدمه کنیسه شدن مساجد و تبدیل اذان به ناقوس" است. از کلمات پکار رفته در این اعلامیه لفظ "جهاد اقتصادی" است که آن را به منزله جهاد و شهادت در رکاب امام زمان ارواحنا فدا می‌دانند. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به نجفی، ۱۳۹۳: ۸۳)

۳. تلگراف مذکور در آرشیو اسناد کتابخانه ملی ایران به ۲-۲۰۹۶۲-۲۶۹، ۳-۲۰۹۶۲-۲۶۹، ۴-۲۰۹۶۲-۲۶۹ و ۵-۲۰۹۶۲-۲۶۹ هم موجود است. در روزنامه حبل‌المتین کلکته نیز در ش ۲۳، س ۱۸ ص ۷ به تاریخ ۹ ذی‌حجه ۱۳۲۸ با اندکی اختصار به چاپ رسیده است.

۴. برای مثال رجوع شود به شرح جلسه مجلس ملی دوم در تاریخ شنبه ۲۴ محرم، ۱۳۲۸.

۵. برای اطلاع از مفاد پاسخ مذکور نگاه کنید به روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۱۸، س ۱۸، ص ۱ و ۲. ۲۷ سوال ۱۳۲۸.

۶. برای نمونه از شهر قزوین گزارش داده شده است که بین اهالی و سربازان روس مناقشه شده است. روس‌ها بر بام خانه‌ها رفته به خانه‌های مردم نگاه و حرکاتی که مورت هیچان

اهالی شود مرتکب می گردند چنانچه اغلب با منتهای بی احترامی وارد مساجد و معابد می شوند. (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ش ۱۰، ص ۱۷، ص ۲۰. ۲۷ شعبان ۱۳۲۷)

۷. حجج اسلام و اولیای امور، نصیحت‌ها و سفارش‌های لازمه را به مردم و مجاهدین کرده بودند تا حرکتی نسبت به اتباع خارجه صورت نگیرد تا بهانه‌ای به دست دولت روس بدهد که جهت حفظ اتباع خود مجبور به نگهداری استعداد نظامی در ایران شود.

منابع

- آقابخشی، علی، افشاری راد، مینو، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- افشار یزدی، محمود، (۱۳۵۸)، سیاست اروپا در ایران، ترجمه سید ضیاء‌الدین دهشیری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار یزدی.
- ترکمان، محمد، (۱۳۷۰)، اسنادی دربارهٔ هجوم انگلیس و روس به ایران (۱۲۸۷ تا ۱۲۹۱ هـ.ش)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- دولت آبادی، یحیی، (۱۳۷۱)، حیات یحیی، تهران: عطار.
- رنجبر، محمدعلی، (۱۳۸۹)، فارس از مشروطیت تا جنگ جهانی اول، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سایکس، سرپرسی، (۱۳۸۰)، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: افسون.
- شریف کاشانی، محمد مهدی، (۱۳۶۲)، واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- شمیم، علی اصغر، (۱۳۶۲)، ایران در دوره سلطنت قاجاریه، تهران: بهزاد.
- کتاب نارنجی (گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران)، (۱۳۶۷)، ج ۱، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نور.
- کتاب نارنجی، (۱۳۶۸)، ترجمه پروین منزوی، تهران: کتاب پرواز.
- کسروی، احمد، (۱۳۸۳)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
- محمود، محمود، (۱۳۵۳)، تاریخ روابط سیاسی ایران وانگلیس در قرن نوزدهم، ج ۸، تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکا.
- معاصر، حسن، (۱۳۵۲)، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران (مستخرجه از اسناد محرمانه وزارت امورخارجه انگلستان)، ج ۱، تهران: ابن سینا.
- نجفی، موسی، (۱۳۹۳)، اندیشه تحریم و خودباوری، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

سمیه سادات شفیعی و سیده فاطمه سهیلی ۱۰۳

نجفی، موسی، (۱۳۷۸)، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله نجفی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

نجفی، موسی، (۱۳۶۷)، «تاریخ مبارزات سیاسی روحانیت و مرجعیت شیعه (۴)»، نور علم، دوره سوم، شماره سوم، شماره ۲۷، ص ۹۲-۱۰۹.

نوابی، عبدالحسین، (۲۵۳۵)، دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتم، تهران: بابک. نیکیتین، باسیل، (۱۳۲۹)، ایرانی که من شناختم، ترجمه و نگارش فره وشی (مترجم همایون سابق)، تهران، کانون معرفت.

وحید مازندرانی، غلام علی، (۱۳۲۸)، قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران، تهران: کتابخانه سقراط.

همایون کاتوزیان، محمد علی، (۱۳۹۱)، ایرانیان دوران باستان تا دوره معاصر، ترجمه حسین شهیدی، تهران: مرکز.

ساعد، نادر، (۱۳۸۳)، «مفهوم تمامیت ارضی در نظم حقوقی بین‌المللی»، در پژوهش حقوقی، شماره هفتم، آذر ۱۳۸۳.

مجموعه اسناد ۲/۱۴۳/۱۳/۲۳ - ۲/۱۴۵/۱۵/۲ مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.

اسناد ۱۳۲۵، [کارتن ۲۱، پرونده ۱۲] - [کارتن ۱۰، پرونده ۵] - مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران.

اسناد ۱۳۲۸، کارتن ۲۱، پرونده ۴ مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران.

اسناد ۱۳۲۹، کارتن ۳۶، پرونده ۱۷. مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران.

اسناد شماره ۱-۲۹۶-۲۰۷۱۹-۸، ۲۹۶-۲۰۷۱۹-۹، ۲۹۶-۲۰۷۱۹-۱۳، ۲۹۶-۲۰۷۱۹-۲، ۲۹۶-۲۰۷۱۹-۳، ۲۹۶-۲۰۷۱۹-۴، ۲۹۶-۲۰۷۱۹-۵، ۲۹۶-۲۰۷۱۹-۵، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

سند ۳۴۳۹۴ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

روزنامه انجمن تبریز، جلد اول سال اول شماره ۱-۱۴۹ سال دوم شماره ۱۴-۱، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.

روزنامه انجمن تبریز، جلد دوم سال دوم، دوره اول شماره ۳۲-۱۵، دوره دوم شماره ۳۲-۱، سال سوم شماره ۳۶-۱، تهران: کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.

روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، دوره اول از سال ۱۳۲۴ الی ۱۳۲۶ هـ.ق، به اهتمام محمد علی چلونگر، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵.

روزنامه ایران‌نو، کتابخانه و اسناد رقمی (دیجیتال) سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. روزنامه حبل‌المتین کلکته، سال ۱۴-۲۲، «لوح مطبوعات فارسی ایران» تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

روزنامه مجلس، سال ۱-۵، «لوح مطبوعات فارسی ایران» تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- Carr, C. Lynn(1998). Tomboy Resistance and Conformity: Agency in Social Psychological gender Theory. *Gender & Society* No.12: pp528-553.
- De Certeau Michel (1998) *The Practice Of Everyday Life*, In John Storey (Ed.) *Cultural Theory and Popular Culture: A Reader* , London: Prentice Hall.
- Fisk, John (1994) *Television Culture*, London: Routledge.
- Foucault,(1979).*The History of Sexuality*, translated by Robert Harley, New York, Vintnage Book.
- Hollander, Jocelyn A & Einwohner, Rachel(2004), *Conceptualizing Resistance*, *Sociological Forum*, Vol. 19, No. 4. pp.533-554.
- Kelley, Robin D.G (2002) in *Cultural Resistance Reader* by Duncombe,London: Verso.
- Modigliani, Andre & Francois Rochat(1995). *The Role of Interaction Sequences and Timing of Resistance in shaping obedience and Defiance to Authority*, *Journal of Social Issues* No.51: pp107-123.
- Profit, Norma Jean(1996). *Battered Women as victims and Survivors: Creating space for Resistance*, *Candian Social Work Review/Revue Canadienne De Service Social* No.13: pp23-28.
- Scott (2002) *Every day Resistance in Cultural Resistance Reader* by Duncombe,London: Verso.
- Swartz, David (1997), *Culture & Power*, University of Chicago press Ltd, London.

Archive of SID

Archive of SID